

چالش‌های زندگی اجتماعی نوجوانان با هویت اجتماعی خود به‌عنوان عضوی از

کمیته امداد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۰

سمیه غلامی^{۱*}

نرگس عباس‌زادگان^۲

مقاله کیفی

چکیده

مقدمه: نوجوانان تحت پوشش کمیته امداد تلاشی مضاعف برای مخفی کردن عضویت در این نهاد دارند و این به خاطر داغ‌ننگی است که به عضویت در این نهاد حمایتی در جامعه زده می‌شود. گویا تحت پوشش نهادهای حمایتی بودن، هویت اجتماعی فرد را تضييع می‌نماید. پژوهش حاضر به بررسی چالش‌های زندگی اجتماعی نوجوانان با هویت اجتماعی خود به‌عنوان عضوی از کمیته امداد در نوجوانان دانش‌آموز می‌پردازد.

روش: این پژوهش با روش گراند تئوری اجرا شد. بدین منظور تعداد ۲۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه دوم تحت پوشش کمیته امداد با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و تئوریک تا اشباع داده‌ها و از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها پس از جمع‌آوری، ثبت و کدگذاری شده و در قالب مقوله‌های اصلی دسته‌بندی شدند و از طریق فنون کدگذاری کوربین و اشترواس به صورت کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند.

یافته‌ها: مجموعاً ۵۰ و در نهایت ۳۳ کد اولیه از مصاحبه‌ها به دست آمد و در مراحل بعدی تحلیل، پدیده اصلی بنام پنهان‌سازی هویت، زمینه‌ها، علل، راهبردها و پیامدها از مصاحبه‌ها استخراج شد. آسیب دیدن احترام، اجتناب از تمسخر و ممانعت از طرد از علل پنهان‌کاری است. زمینه بروز پنهان‌کاری قرار گرفتن در مقابل افراد طبقه بالادست است. محیط مدرسه جایی است که این دانش‌آموزان برایشان حیاتی است که همکلاسی‌ها و معلمان متوجه نشوند. **نتیجه‌گیری:** مسائل پیش روی این شهروندان نشان می‌دهد که باید در جهت تغییر نگرش جامعه به فقرا به‌منزله افرادی با اعتبار اجتماعی اندیشید؛ چیزی درآموزه‌های دینی نیز یافت می‌شود.

کلمات کلیدی: پنهان‌سازی هویت، چالش‌های زندگی اجتماعی، داغ‌ننگ، دانش‌آموزان متوسطه دوم.

۱. استادیار، عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی مجتمع آموزش عالی لارستان، فارس، ایران.

*نویسنده مسئول: Somayeg@Yahoo.Com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندر لنگه، هرمزگان، ایران.

Challenges of adolescents' social life with their social identity as a member of Imam Khomeini Relief Committee

Somayeh Gholami^{1*}
Narges Abbaszadegan²

Qualitative Article

Abstract

Introduction: The purpose of this research is to analyze the phenomenon of identity cloaking under the Imam Khomeini Relief Committee in second grade high school students in Bandar-lengeh. This research was carried out qualitatively and in a grounded method.

Method: The research area in this study is all second-grade female secondary school students covered by the Relief Committee. A total of 20 students covered in the research participated in the study, which became accessible to theoretical saturation by targeted sampling. Then the data were analyzed by the method suggested by Strauss & Corbin consisting of coding (open, pivotal & optional).

Results: A total of 50 and finally 33 initial codes were obtained from the interviews, and in the later stages of the analysis, the main phenomenon called identity concealment, contexts, causes, strategies and consequences were extracted from the interviews. Damage to respect is the avoidance of ridicule and the rejection of the causes of secrecy. The ground conditionis exposed in front of the people in higher social class. The school environment is a place where these students are vital that classmates and teachers do not notice.

Conclusion: These problems that facing these citizens show that should be more invistigated about changing society's attitude towards the poor as people with social credibility; something can also be found in religious believe.

Keywords: Identity concealment, Stigma, Challenges of adolescents' social life, secondary school students.

1. Assistant Professor, Department Of Psychology, Larestan Higher Education Complex, Fars, Iran.

* Corresponding Author: Somayeg@Yahoo.Com

2. Graduate Of Educational Psychology, Islamic Azad University, Bandar Lengeh Branch, Hormozgan, Iran.

مقدمه

قانون اساسی بر تأمین نیازهای افراد بی‌سرپرست و نیازمند به‌عنوان اقشار آسیب‌پذیر جامعه تأکید کرده است و با توجه به اصل حفظ نهاد خانواده، اصل برقراری عدالت اجتماعی، اصل پیشگیری از مفاسد اجتماعی و اصل رعایت حقوق شهروندی موظف است تا این گروه را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد. کمیته امداد امام خمینی (ره) از جمله سازمان‌هایی است که به امور این افراد پرداخته و جهت توانمندسازی آنان اقداماتی را انجام می‌دهد. در کنار تمام مزایایی که عضویت در این نهاد دارد، افراد تحت پوشش این نهاد مانند افراد تحت پوشش سایر نهادها (خانواده‌های ایثارگران، شهدا و بهزیستی) از مسائل و بحران‌هایی، از جمله بحران هویت^۱، رنج می‌برند (جان‌علی‌زاده چوب‌بستی، رازقی و کسائی، ۱۳۹۶). از آنجاکه فقر تنها به جنبه اقتصادی محدود نمی‌شود و جنبه‌های روانی- اجتماعی چشمگیری دارد (شادی‌طلب، وهابی و ورزیمبار، ۱۳۸۴)، فرد فقیر از خود می‌پرسد که من در نظر دیگران چگونه هستم؟ مردم در مورد من چگونه می‌اندیشند؟ جایگاه من نزد افراد کجاست؟ آیا منزلت اجتماعی من با عضویت در یک نهاد متزلزل می‌شود؟ و این موضوع باعث آسیب‌پذیری هویت آنان می‌شود. هویت به معنای شخصیت یا وجود عینی هر فرد (هیلمند^۲، ۲۰۱۹) مبنایی اجتماعی دارد و از خلال تعامل با دیگران تحقق می‌پذیرد. تعلق و عضویت در سازمان‌های متعدد اجتماعی، عنصری مهم در تعیین هویت افراد محسوب می‌شود. عضویت در برخی نهادها، به دلیل پیش‌داوری‌هایی که در مورد آنان وجود دارد منجر به چالش‌های گوناگونی برای این افراد می‌شود. افراد برای مقابله با این چالش‌ها رفتارهای گوناگونی از خود بروز می‌دهند. یکی از این راهکارهایی که فرد به کار می‌برد؛ پنهان‌سازی هویت^۳ است. این گروه از افراد هویت خود را مانند یک راز نگه می‌دارند (کوئین^۴، ۲۰۱۷).

از آنجاکه لازمه تحت پوشش کمیته امداد قرار گرفتن، دارا بودن شاخص‌هایی از فقر مانند نبود سرپرست خانوار به دلیل مرگ، اعتیاد، زندان یا از کارافتادگی وی، درآمد پائین خانواده، سن و سواد سرپرست نامناسب خانواده، وضعیت اقتصادی نامناسب، داشتن محرومیت از وسایل و امکانات رفاهی است (ارضروم چیلر، ۱۳۸۴)، قرار گرفتن در این مقوله اجتماعی فرد را فاقد اعتبار می‌کند و درباره مفهوم خود به‌عنوان انسان کامل، خویشتن او را زیر سؤال می‌برد (هیثرتون^۵، ۲۰۰۳). به‌واقع، فقر به‌طور طبیعی یک هویت اجتماعی است. بدین ترتیب، فردی که برچسب تحت پوشش بودن بخورد، بدین معناست که استانداردهای یک زندگی خوب را ندارند. بر همین مبنای ناگزیر جامعه با برچسب‌ها منفعلانه برخورد نمی‌کند. دانش‌آموزان عضو تحت پوشش کمیته امداد، به دلیل موقعیتی که در آن قرار دارند، ممکن است توسط همسالان و همکلاسی‌ها مورد تمسخر قرار گیرند. وجود نگرش منفی به فقر، نگاه‌های ترحم‌آمیز به این پدیده و فقدان آگاهی جامعه از توانمندی‌های این افراد نیز از وجوه منفی قرار گرفتن در

1. Identity Crisis
2. Hyland
3. Identity Concealment
4. Quinn
5. Heatherton

طبقه اجتماعی کمیته امداد هست. افراد یاد می‌گیرند که «نگرش دیگران به خود» را دریابند و این را به‌عنوان موضوعی اجتماعی ببینند. جامعه ابزارهایی برای دسته‌بندی کردن افراد و خصیصه‌ها را دارد که یکی را عادی و دیگری را متفاوت قلمداد کند. فردی خفیف یا بی‌ارزش جلوه دهد (گافمن^۱ به نقل از آبلون^۲، ۲۰۰۲).

در ادامه این مسیر، فرد خود را دارای یک هویت لکه‌دار شده می‌بیند که تصور از خود، عزت‌نفس و خودپنداره‌اش را موردحمله قرار داده است (آبلون، ۲۰۰۲). واکنشی که فرد در مقابل این عدم تأیید اجتماعی دارد، پنهان‌کاری^۳، رازداری، کناره‌گیری از تعاملات^۴ و افشاگری احتیاط‌آمیز^۵ است (دنیل‌لی و کرافت^۶، ۲۰۰۲). درواقع پنهان‌کاری روشی برای محافظت از مورد تبعیض قرار گرفتن، قربانی تحقیر شدن و افزایش رضایت از زندگی است (پچانکس و برانستورم^۷، ۲۰۱۸). پنهان‌سازی هویت از لحاظ سلامت روانی و حتی جسمانی تأثیر منفی بر فرد دارد (اسمیت، برانسکمب، پستمز و گارسیا^۸، ۲۰۱۴؛ میدلینگر و هوپ^۹، ۲۰۱۴، و نیوهیسر و بارتو^{۱۰}، ۲۰۱۴) و در درازمدت با علائم اضطراب و افسردگی همراه می‌شود (نیوکامب و موستانسکی^{۱۱}، ۲۰۱۰) و در واقع پنهان‌کاری، سلامت اجتماعی را کاهش می‌دهد چراکه طبق مطالعات روانشناسی اجتماعی، پذیرش اجتماعی یکی از شاخص‌های سلامت اجتماعی شهروندان است. در واقع شهروندانی که حس پذیرش توسط دیگران را دریافت کنند، سلامت روان بیشتری دارند (کیخاوی، صفاری‌نیا، علی‌پور و فرزاد، ۱۳۹۹).

علاوه بر این، پنهان‌سازی در مواقعی باعث می‌گردد که فرد حمایت‌های اجتماعی، آموزشی و سایر حمایت‌ها را در گروه خود از دست بدهد، بعلاوه در گروهی عضویت دارد که به آن احساس تعلق ندارد و حتی منزجر است؛ این موارد در کنار ترس از افشای هویت، باعث کاهش کیفیت زندگی وی می‌گردد (الیوت و دونه^{۱۲}، ۲۰۱۵).

بر همین مبنا، کوین و ارنشو^{۱۳} (۲۰۱۱) با پشتوانه تحقیقات متنوع، مدلی جامع ارائه دادند که در آن مخفی نمودن هویت نشان‌دار شده با سه عامل احساس پیرامون خود (خودپنداره)، پیامدهای رفتاری و بهزیستی ارتباط دارد. در مورد عامل احساس فرد به خود می‌توان گفت که طیف گسترده‌ای از احساسات وجود دارد؛ برای مثال فردی ممکن است راجع به هویت خود احساس شرم نماید. درحالی‌که

1. Goffman
2. Ablon
3. Secrecy
4. Withdrawal
5. Preventive Telling
6. Daniel Lee & Craft
7. Pachankis & Bränström
8. Schmitt, Branscombe, Postmes, & Garcia
9. Meidlinger & Hope
10. Newheiser & Barreto
11. Newcomb & Mustanski
12. Elliott & Doane
13. Quinn & Earnshaw

فرد دیگر با همان هویت، خود را مستحق حمایت‌های اجتماعی می‌داند و بنابراین هویت خود را افشا می‌کند. این احساسات خود منتج به پیامدهایی مانند استرس، ترس و افسردگی می‌شود. مقوله دیگر در این مدل میزان نفوذ هویت لکه‌دار در خود پنداره فرد است. برای برخی از افراد هویت لکه‌دار قسمت ناچیزی از خود است و برای تعدادی دیگر بخش بزرگی از هویتشان شده که زمان زیادی را به آن فکر می‌کنند و باعث پریشانی روان‌شناختی‌شان می‌گردد.

مؤلفه دیگر این مدل مفهوم درونی کردن کلیشه‌های همراه با داغ ننگ است. این حالت وقتی رخ می‌دهد که خود فرد نیز کلیشه‌های جامعه در مورد هویت ضایع شده را بپذیرد. برای مثال، فرد دارای بیماری روانی خود را فردی بی‌ارزش بداند که نباید به او اعتماد کرد. تحقیقات نشان داده‌است که افرادی دست به پنهان‌سازی هویت خود می‌زنند که باورهای پیرامون داغ ننگ را درونی کرده‌اند (کوبین و ارنشو، ۲۰۱۳). تجربه تبعیض عامل دیگری برای پنهان‌سازی هویت است. فردی که دست به مخفی نمودن می‌زند، در تجربه‌های قبلی خود هنگام افشای هویت در معرض عدم پذیرش، احترام کمتر، طرد، سوءاستفاده و حتی ضرب و شتم قرار گرفته است. کوبین و ارنشو همچنین بیان می‌کنند که در گروه‌هایی که هویت خود را پنهان می‌کنند، افرادی هستند که مستقیم تبعیض را تجربه نکرده‌اند اما می‌توانند ضایع شدن هویت را از قبل پیش‌بینی کنند. افرادی که دست به پیش‌بینی رفتارهای جامعه می‌زنند، پریشانی روان‌شناختی بیشتری را تجربه می‌کنند (کوبین و چودیر، ۲۰۰۹).

در این مدل سهمی نیز برای افشاگری هویت در نظر گرفته شده است. افراد پنهان‌کار در برخی مواقع برای دریافت حمایت یا کاستن از اندوه خود دست به افشاگری می‌زنند اما در نزد افراد خاص. تحقیقات پیرامون این مؤلفه کمتر انجام شده که دقیقاً چه فرآیندهایی در افشا دخیل هستند. در پایان مدل مذکور عنوان می‌دارد تعدادی از افراد نه‌تنها داغ ننگ را درونی نکرده و سعی در پنهان‌سازی آن نمی‌کنند؛ بلکه در راستای تلاش برای رفع تبعیض و کلیشه اقدام می‌کنند.

مشاهدات نگارندگان نشان می‌دهد که دانش‌آموزان در کلاس‌های فوق برنامه‌ی درسی و غیردرسی برگزار شده از سوی کمیته حاضر نمی‌شوند. در صورت لزوم به حضور در کمیته طفره رفته یا با خودروی درست تا داخل محیط اداره حضور می‌یابند و در مدرسه نیز اگر مسئولین برای دریافت هدایا آن‌ها را صدا بزنند، حضور نمی‌یابند. وضعیت پوشش و اقلام مورداستفاده نفیس به گونه‌ای است که گزارش‌های واصله، مددکاران را مجبور به تفحص مجدد در مورد داشتن شرایط تحت پوشش بودن می‌نماید. این دانش‌آموزان چه تجاربی در محیط داشته‌اند که دست به پنهان‌کاری یا جبران افراطی می‌زنند؟ چه آسیب‌هایی از افشای هویت دیده‌اند؟ علاوه بر این، یکی از اهداف مهم حوزه فرهنگی کمیته امداد امام خمینی (ره)، توانمندسازی فکری و فرهنگی خانواده‌های تحت پوشش است. بنابراین پنهان‌کاری منجر به از دست دادن برنامه‌های این معاونت شده، در واقع برنامه‌ریزی‌ها و هزینه‌ها برای ارتقای سرمایه فرهنگی این قشر با مشکلاتی روبرو شده است.

زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی داغ ننگ در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. در این قسمت مروری مختصر بر وضعیت‌هایی که فرد داغ ننگ را تجربه می‌کند و سعی در پنهان‌کاری هویت می‌کند؛

انجام شده است. سینه‌ها و کومار^۱ (۲۰۱۸) در تحقیقات خود در هندوستان دریافتند که خدمه‌هایی که کف زمین را می‌شویند، توالت‌ها را تمیز نموده، زباله‌ها را جمع‌آوری می‌کنند یا در خانه‌های مردم کار می‌کنند، به‌واسطه این شغل داغ ننگ را تجربه می‌کنند. این افراد به سبب قرار گرفتن در طبقات پایین اجتماعی توسط صاحبان کار به روش‌های استبدادی با آن‌ها برخورد می‌شود و دستورات خارج از وظیفه و پراکنده به آن‌ها داده می‌شود. این مشاغل آن‌چنان داغ ننگی برای فرد دارند که در غیر از محل کار چنانچه شغلشان آشکار شود، توسط دیگر افراد نیز مورد تبعیض و تحقیر قرار می‌گیرند؛ بنابراین این گروه از افراد سعی در پنهان نمودن هویت خود می‌نمایند. زنان سرپرست خانوار که تحت پوشش کمیته امداد هستند نیز اغلب به همین مشاغل می‌پردازند که پنهان‌کاری اعضای خانواده از تحت پوشش کمیته بودن را توجیه می‌کند.

ودادهیر، ذلولی، بنی فاطمه و نیلی (۱۳۹۴) فرایند داغ ننگ‌سازی بیماران افسرده را بررسی کردند. نتایج نشان داد که در مقایسه با بیماری‌ها جسمی مانند بیماری کلیوی، فرد افسرده داغ ننگ دریافت می‌کند و این وضعیت باعث پنهان‌کاری شده که در نتیجه بیمار به مراکز درمانی رجوع نمی‌کند و برای عادی جلوه دادن خود کوشش طاقت‌فرسا می‌نماید.

یکی دیگر از مسائلی باعث تجربه کردن داغ ننگ می‌شود، بیکاری است که سلامت روان را نیز کاهش می‌دهد (اودنل و کوریگان و گالاگر^۲، ۲۰۱۵ و رامشگر، نیلی و محسنی تبریزی، ۱۳۹۶) البته کسانی که هویت بیکار بودن خود را از دوستان و اطرافیان پنهان می‌کنند، سلامت روانی‌شان نسبت به افرادی که آشکار می‌کنند بالاتر است (رامشگر، نیلی و محسنی تبریزی، ۱۳۹۶). بیکاری سرپرست خانوار در برخی خانواده‌های تحت پوشش کمیته نیز وجود دارد که موجب تجربه داغ ننگ است. جان-علی‌زاده چوب‌بستی، رازقی و کسائی (۱۳۹۶) در مطالعه خود نشان دادند که حتی دانشجویان تحت حمایت بنیاد شهید نیز داغ ننگ را تجربه می‌کنند و برای جلوگیری از طعنه و تمسخر هویت خود را پنهان می‌کنند.

در توضیح این پدیده می‌توان گفت که داغ، یک موضوع روانی- اجتماعی بوده و در واقع یک‌زبان ارتباطی است. داشتن دید وصله ناجور بودن به یک شخص، در کنش‌ها و تعاملات اجتماعی و روزمره فرد، به اجتناب فرد از موقعیت‌های اجتماعی و برقراری ارتباط با دیگران منجر خواهد شد؛ زیرا برقراری ارتباطاتی مانند این جز نگاه تحقیرآمیز و تخریب شخصیت برای فرد با هویت ضایع شده سودی ندارند. یکی از استراتژی‌هایی که فرد می‌تواند برای جلوگیری از ارزیابی‌های منفی توسط دیگران انجام دهد پنهان کردن هویت خود است. هرچند یافته‌های لت‌کمان^۳ (۲۰۰۲) متفاوت است و معتقد است پنهان‌کاری باعث ناامیدی و انزوا می‌شود و اگر نیز هویت فرد آشکار شود، انگ دروغ‌گویی و دوشخصیتی بودن نیز اضافه می‌گردد.

1. Sinha & Kumar

2. O'Donnell, Corrigan & Gallagher

3. Letkemann

در جمع‌بندی همان‌گونه که شرح داده شد نوع شغل، بیکاری، چاقی و هر موضوعی می‌تواند صفتی شود که قدرت داغ ننگ شدن را دارد. در واقع داغ ننگ قدرتش را در بطن روابط اجتماعی به دست می‌آورد، یعنی جایی که فرد عزت نفسش دچار آسیب می‌شود و قسمتی از هویتش بی‌ارزش می‌شود. یکی از اندیشمندان حوزه داغ ننگ، گافمن است. او معتقد است که صفتی که بدنام‌کننده و ننگ‌آور باشد، داغ ننگ محسوب می‌شود (گافمن، ۱۳۸۶). در واقع هر صفتی که فرد را نگران کند که مورد پذیرش سایر مردم قرار نگیرد و دارای کلیشه‌های منفی باشد، داغ ننگ محسوب می‌شود (رامسدن^۱، ۲۰۰۹).

گاهی عضویت در یک گروه اجتماعی، داغ ننگ محسوب شده و هویت اجتماعی فرد را بی‌اعتبار می‌سازد (رامسدن، ۲۰۰۹) و فرد را در معرض سوگیری قرار می‌دهد. در این راستا، پدیده‌ای به نام «پنهان‌سازی هویت لکه‌دار^۲» رخ می‌دهد. در واقع یکی از راهبردهای متداول مدیریت هویت، تصمیم به پنهان‌سازی یا افشاگری است. تصمیم به افشا بستگی به پیامدهای آن دارد و تصمیم به پنهان‌کاری وقتی رخ می‌دهد که منجر به بالا رفتن ارزش فرد و جلوگیری از بی‌اعتباری می‌شود. در واقع پنهان‌کاری بر تعامل اجتماعی اثرگذار بوده و شانس پذیرش در گروه را بالا می‌برد (نیوهسلر، بارتو و تیمرسما^۳، ۲۰۱۷).

تردیدی نیست که بخشی از تحولات جامعه در تحول معناها رخ می‌دهد. در خصوص مفهوم فقر نیز به نظر می‌رسد که در جامعه کنونی با توجه به جولانگاه فضاهای مجازی که مردمان انواع نعمت‌های خود را به نمایش می‌گذارند، فقر داغ ننگ شدیدتری را همراه دارد. یعنی فقرا علاوه بر فشار اقتصادی، بار سنگین روانی فقر را نیز باید به دوش بکشند و همچنین وضع نامطلوب زندگی خود را پنهان سازند. مسئله فقر تا جایی پیش رفته است که پژوهشگران دیگر آن را مفهومی ایستا که فقط جنبه اقتصادی دارد در نظر نمی‌گیرند و مایلند از اصطلاح «مطرودیت اجتماعی^۴» که مفهومی پویاست استفاده کنند. در کلمه مطرودیت اجتماعی فقر ساختاری است که همه مبادلات انسانی، فعالیت‌ها، حقوق و هویت اجتماعی فرد را در بر می‌گیرد (غفاری و امیدی، ۱۳۸۹). پیرامون همین بحث، مطالعات نشان داده‌اند که محله زندگی فرد و حتی نمای ساختمان تاثیر مستقیم بر عزت نفس فرد دارد. افرادی که در محلات بالاتر مسکونی زندگی می‌کنند، عزت نفس بالاتری دارند و تعامل قوی‌تری با هم دارند و افراد ساکن در مناطق پایین شهری، کاهش عزت نفس را به دنبال دارد و دید منفی به افراد ساکن در این مناطق وجود دارد (رمضان‌پور، شرقی و صالح صدق‌پور، ۱۳۹۸). در این راستا باید این موضوع مورد بررسی قرار گیرد که جامعه در حال تحمیل چه پیامدهایی به افراد فقیر است؟ آن‌ها چه درکی از وضع موجود خود دارند؟ فقط بررسی تجربه زیسته می‌تواند وضعیتی که بر فقرا می‌رود را عمیقاً آشکار کند. با توجه به اینکه تجربیات افراد مهم‌ترین منبع اطلاعات برای بررسی موضوع مورد نظر است،

1. Ramsden
2. Concealable Stigmatized Identities
3. Newheiser, Barreto & Tiemersma
4. Social Exclusion

پژوهش حاضر قصد شناخت عمیق این پدیده را دارد و سعی نموده است تحلیلی بر پدیده پنهان‌سازی هویت تحت پوشش کمیته امداد امام (ره) بودن در میان دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم مشغول به تحصیل در شهرستان بندرلنگه را مورد جستجو قرار دهد.

سنجش وضعیت روانی- اجتماعی دانش‌آموزان نوجوان عضو در کمیته امداد (ره) به لحاظ آینده‌ای که پیش رو دارند دارای اهمیت است. طبیعتاً با شناخت این پدیده و متغیرهای مؤثر در آن منجر به سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بهتر شده و می‌توان قدمی در جهت توانمندسازی روانی و بهبود کیفیت زندگی و سلامت روان آنان برداشت. سؤالاتی که پژوهش حاضر به دنبال کنکاش در آنهاست عبارت‌اند از: چالش‌های پیش روی نوجوانان در اجتماع به عنوان عضوی از کمیته امداد بودن چیست؟ خودپنداره اجتماعی افراد تحت پوشش چگونه است؟ چه پوشش‌هایی باعث می‌شود که برخی از افراد دست به پنهان‌کاری یا آشکارسازی عضو کمیته امداد بودن بزنند؟ عضویت در کمیته امداد چه معنایی برای آن‌ها دارد؟ آنان با افراد مشابه خود چگونه برخورد می‌کنند؟ ادراک منفی در مورد منزلت تحت پوشش کمیته بودن از کجا نشأت می‌گیرد؟ پیامدهای این پنهان‌کاری چیست؟

روش

این پژوهش با روش کیفی و رویکرد گراند تئوری انجام شد. پژوهش با نمونه‌گیری هدفمند شروع و با نمونه‌گیری نظری ادامه یافت. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت هم‌زمان انجام شد. سه روش برای جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت: مشاهده، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و یادداشت‌برداری. مشاهدات مددکاران مبنی بر رفتارهای نوجوانان عضو این نهاد مورد پرسش قرار گرفت. مصاحبه با نوجوانان با سؤالات کلی ساده شروع و به سمت سؤالات جزئی‌تر پیشرفت و تمام مصاحبه‌ها ضبط و دست‌نویس شد و به تأیید مشارکت‌کنندگان رسید. داده‌های به‌دست‌آمده از هر مصاحبه جهت کدگذاری به‌صورت نوشتاری درآمد و به روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق با روش اشتراوس و کوربین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بعد از هر مصاحبه یادداشت‌های از نوار استخراج‌شده و کلیه مصاحبه‌ها خط به خط خوانده شد و مکرراً بازنگری شد.

حوزه پژوهش مورد مطالعه در این پژوهش دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه دوم تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان بندرلنگه که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ مشغول به تحصیل می‌باشند، بود. در این پژوهش با شناخت کامل مددکاران از جامعه آماری مورد پژوهش (مددجویان) نمونه‌هایی به‌صورت هدفمند مورد گزینش قرار گرفتند که بیشترین چالش را نسبت به عضویت در کمیته امداد نشان داده باشند. در روش‌های کیفی پیش‌بینی تعداد افراد نمونه از قبل امکان‌پذیر نیست و نمونه‌گیری زمانی به اتمام می‌رسد که داده‌ها به اشباع رسیده باشند. این پژوهش با انجام ۲۰ مصاحبه با دانش‌آموزان به اشباع نظری رسید. به‌طور کلی مصاحبه‌ها حدود ۸۰ تا ۱۴۰ دقیقه طول کشید.

یکی از ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق بود. سؤالاتی که چرا در برنامه‌های آموزشی، هنری و فرهنگی حضور نمی‌یابی؟ دلیل نگرفتن بسته‌های حمایتی از مدرسه چه بوده است؟ دو نمونه از سؤالات برای تحریک بحث بود. اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها با به‌کارگیری روش گراندتئوری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به این صورت که مصاحبه حاصل از مشارکت‌کنندگان، سطر به سطر به نوشته تبدیل شد. سپس، به هر جمله یا عبارت یک کد اختصاص یافت، گاه به یک خط چند کد و در برخی موارد به چند خط، یک کد اختصاص یافت. داده‌ها به روش پیشنهادی استرواس و کوربین که مشتمل بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی است، تجزیه و تحلیل شدند. از کل داده‌های مصاحبه‌ها، در مجموع ۵۰ و در نهایت ۳۳ کد اولیه استخراج گردید. به دو روش، انتخاب کدها انجام شد. نخست استفاده عینی از واژه‌ها و جملات مشارکت‌کنندگان و دوم استنباط پژوهشگر از کلمات و عبارات گروه نمونه. پس از مشخص شدن کدهای اولیه، کدها مقایسه شد و تفاوت‌ها و شباهت‌ها تعیین گردید. در ادامه کدهای مشابه، یک عنوان کلی‌تر را تشکیل داد. این روند ادامه یافت تا پدیده مرکزی «پنهان‌کاری» به‌عنوان متغیر مرکزی به دست آمد.

در این مطالعه برای دستیابی به اعتبار پژوهش، جنبه‌های مختلفی مدنظر قرار گرفت. استاد ناظر به‌عنوان بازرس خارجی^۱ در تمامی مراحل پژوهش نظارت و راهنمایی داشته است. از روش‌های دیگر اعتبارسنجی در روش کیفی اعتبار از طریق اعضا است. در این پژوهش نیز نتایج پژوهش به مصاحبه‌شوندگان برگردانده و سپس با نظر آن‌ها مطابقت داده شد.

همچنین قابل‌ذکر است که کلیه ملاحظات اخلاقی در جمع‌آوری داده‌ها رعایت شد. بدین‌صورت که پیش از شروع کار رضایت شرکت‌کنندگان و سرپرست خانوار برای شرکت در پژوهش جلب شد. پیش از شروع مصاحبه، به شرکت‌کننده به‌خوبی موضوع و روش اجرا توضیح داده شد. از اطلاعات خصوصی و شخصی داوطلبین محافظت شد. به دلیل حضور در اداره برای مصاحبه، هزینه ایاب و ذهاب به شرکت‌کنندگان پرداخت شد و مشارکت در تحقیق موجب هیچ‌گونه بار مالی برای شرکت‌کنندگان نشد. این پژوهش با موازین دینی و فرهنگی آزمودنی و جامعه هیچ‌گونه مغایرتی ندارد.

یافته‌ها

نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که ۱۴ نفر از مشارکت‌کنندگان تحقیق بسیار سعی در پنهان‌کاری هویت اجتماعی خود داشته و تنها ۶ نفر برایشان فرقی نمی‌کرد که دیگران متوجه این موضوع شوند. اکثریت مشارکت‌کنندگان در همه‌جا پنهان‌کاری نمی‌کنند. این گروه بیشتر در مقابل افراد طبقه بالادست، دست به پنهان‌کاری می‌زنند. محیط مدرسه جایی است که این دانش‌آموزان برایشان حیاتی است که همکلاسی‌ها و معلمان متوجه نشوند. اگر همسایگان تحت پوشش بوده یا دوستانی تحت پوشش داشته باشند، افشاجاری از دید آن‌ها بلامانع است. دلایل، محیط‌های پنهان‌کاری، راهبردهای رفتاری پنهان‌کاری و چرایی پنهان‌کاری در زیر به‌صورت مشروح آمده است:

شرایط علی: دلایل پنهان‌سازی عضویت در کمیته امداد

آسیب دیدن احترام

از نگاه نوجوانان تحقیق حاضر، تغییر ارزش‌های جامعه به‌سوی امور مادی روزبه‌روز بیشتر می‌شود و کفه ترازوی احترام به‌سوی پولدارها سنگینی می‌کند. واژگانی نوپدید در جامعه متولدشده مانند «زندگی لاکچری»، «با کلاس بودن» و «بچه مایه‌دار» اشاره کرد که با رفتارها و رویه‌های خاصی در زندگی «سوپر پولدارها» جلوه‌گری می‌کند. این در حالی است که در مقابل، جمعیت کم‌برخوردار جامعه به لحاظ دارا بودن احترام و منزلت اجتماعی احساس کاستی می‌نمایند. نازنین دختر ۱۷ ساله بیان کرد: «هیچ‌وقت هم‌ردیف با سایرین به ما در جامعه توجه نمی‌شود. چه کسی ما را به حساب می‌آورد؟». هانیه هم از قول مادرش گفت: «به مثالی هست که میگه پولت مال خودت و احترامت پیش مردم». یکی از مثال‌های دیگر این مضمون عبارت فاطمه کلاس دهم بود: «مادرم میگه عقل مردم تو چشمشونه». آسیب دیدن احترام به حیطة مدرسه هم کشیده شده است و اظهاراتی مانند «من نامبر وان تو درس و مدرسه هستم اما به دلیل فاصله مالی با بقیه، معلم‌ها رفتار خوبی با من ندارند. تو چشم معلم‌ها پولدارهای تنبل جاشون بالاتره منه» نشان دهنده این امر است.

اجتناب از طعنه، تمسخر و تحقیر

مسخره کردن و دست انداختن یکدیگر یکی از واقعیات زندگی است. مصاحبه‌شوندگان تحقیق حاضر عنوان داشتند که اگر دیگران بدانند آن‌ها تحت پوشش هستند، آن‌ها را مسخره می‌کنند. «همسایه‌ها فکر می‌کنن هر کس تحت پوششه خیلی ضعیفه و رفتارشون عوض میشه. ما هم سعی می‌کنیم که ندونن». اسماء دانش‌آموز ساکن خوابگاه شبانه‌روزی می‌گوید: «بچه‌های خوابگاه دایم طعنه می‌زنند که خوابگاه شما که مفته ما مجبوریم شهریه بدیم». یکی از مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر تحقیر و تمسخر خود را چنین بیان داشت: «راننده موقع پیاده کردن ما از سرویس جلو همه با تحقیر میگه کمیته‌ای‌ها پیاده شوند. به حس تحقیری در کلامشه».

اجتناب از اجبار در پاسخ به سؤالات آزردهنده

از نگاه نوجوانان پژوهش حاضر، سؤال‌هایی هست که نباید پرسیده شود و وقتی افرادی بدانند که فرد تحت پوشش کمیته هست به دنبال کسب اطلاع از حقوق و مزایا هستند. از نظر مشارکت‌کنندگان تحقیق این سؤالات آن‌ها را آزار می‌دهد، چه در معاشرت‌های اجتماعی و چه در روابط شخصی؛ خواه دوستانه باشد و خواه عاطفی. سؤال‌هایی که یا وجهه فرد را تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد، یا طرف مقابل را آزرده و معذب می‌کند. سؤال در مورد حقوق کمیته، چگونگی تحت پوشش قرار گرفتن، مزایا و... از این دست سؤالات هست. یکی از شرکت‌کنندگان عنوان داشت: «بعضی‌ها می‌پرسند تا بفهمند آدم تحت پوششه

مثل مسلسل سؤال می‌پرسند که ماهانه کمیته چند بهتون می‌دهد؟ یارانه شما چند برابره؟ فقط از پول صدقات مردم هست؟ کمک دیگه هم می‌کنند؟ خرج مدرسه میدن؟ خرج دانشگاه چطور؟»

ناراحتی از مورد ترحم واقع شدن

نوجوانان تحقیق حاضر به خاطر غرور جوانی مایل به دریافت دلسوزی و ترحم دیگران نیستند. این یکی از علل سعی در پنهان کاری است. دریافت هدایا، نذورات و نیکوکاری‌های سایرین برای آن‌ها عذاب‌آور است. نازنین در این راستا بیان داشت: «حس دلسوزی دیگران واقعاً خوشایند نیست». دیگری گفت: «از اینکه اقوام بخواهند به ما کمک کنند؛ متنفرم و وقتی مادرم کمک اونها قبول می‌کنه، باهاش دعوا می‌کنم».

طرد اجتماعی (ترس از طرد همسالان، معلمان و خواستگاران)

یکی از جان‌مایه‌های پررنگ در انگیزه پنهان کاری نوجوانان پژوهش حاضر طرد شدن از گروه همسالان و معلمان بود. نوجوانان به وجود همسالان خود اهمیت بیشتری می‌دهند. زمانی که نوجوان از سوی همسالان خود به دلایلی طرد می‌شوند به روحیه آن‌ها صدمه می‌زند. «محدودیت‌های مادی» بیانگر این است که فقر به خودی خود، مانع از شکل‌گیری انسجام و ادغام اجتماعی در بسیاری از حوزه‌های زندگی اجتماعی می‌شود و از سه مفهوم اولیه «ناتوانی در مصرف کالا»، «ناتوانی در تبادل هدایا» و «ناتوانی در دسترسی به خدمات» تشکیل می‌شود.

نوجوانان مشارکت‌کننده در تحقیق عنوان داشتند که در شبکه روابط خود با دیگران، قدرت عمل به انتظارات متقابل و مبادله‌های مادی و نمادین را ندارند و خودشان به صورت داوطلبانه از مشارکت در این گونه مبادله‌ها اجتناب می‌کنند. این طردها خودخواسته نیستند و نوجوانان فقیر تحت فشار انتظارات اجتماعی، طرد غیرارادی را تجربه می‌کنند. مهسا در رابطه با عدم ناتوانی در تبادل هدایا و طرد بیان می‌کند: «یکی از دوستانم دایم هدایای خارجی که پدرش از دبی می‌آورد را برای معلم فیزیکی می‌آورد. من خیلی معلم فیزیکی را دوست دارم اما نمی‌توانم هدیه به او بدهم و او مرا زیاد تحویل نمی‌گیرد. تازه اگر بداند کمیته‌ای هستم که هیچ دیگه جواب سلامم را هم نمی‌دهد».

دیگری بیان داشت: «بچه‌ها جشن تولد که می‌گیرند برای مجلسشان انتظار هدیه خوب و تم لباس خاص دارند، اگر بدانند من فقیرم که دعوت نمی‌کنند». ناتوانی در مصرف کالا را نوجوان پژوهش را این گونه ابراز داشت: «نمیشه که با رفقا بروی بیرون و جیب خالی. یک دفعه تو را هم می‌برند ولی بار دوم یواشکی می‌روند. برا همین هر جور شده جور می‌کنم که کم نیارم و جیبم پر باشه».

نازنین کلاس یازدهم نیز تجربه طرد خود را چنین بیان کرد: «معلمون خوش تیپ‌ها را تحویل می‌گیرد. من هم اصلاً وانمود نمی‌کردم که مشکل داریم چون می‌خواستیم مورد توجه معلم قرار بگیریم». ترس از طرد توسط خواستگار نیز این گونه اعلام شد: «خیلی سعی می‌کنیم ظاهرمون درست کنیم که خواستگارا ندونن ماتحت پوشش هستیم. می‌ترسم اگر بدونن از دستشون بدم». ناتوانی در

دسترسی به نفوذ و خدمات نیز طرد را به دنبال دارد. در این رابطه یکی از افراد اظهار کرد: «معلم با یکی از بچه‌هایی که باباش لنج باربری داره رفت و آمد داره و باهم کارهای تجاری می‌کنند. خیلی ناراحت میشم که من با معلم‌ها رفت‌وآمد ندارم».

شرم حضور و خجلت از فقر

افراد فقیر به علت ناتوانی در مصرف کالا و نشانه‌هایی که معمولاً دلالت بر یک زندگی شایسته دارد، در بسیاری از جمع‌ها و محافل احساس شرم می‌کنند و سعی می‌کنند کمتر در آن‌ها حضور یابند. احساس معذب بودن از پیامدهای طرد اجتماعی است که در زندگی افراد فقیر مطالعه شده مشاهده می‌شود. بانویی شرکت‌کننده می‌گوید: «همه بچه‌ها می‌رفتند کلاس شنا. من پول نداشتم دوره آموزشی بروم و دایم می‌گفتند تو هم بیا دیگه خجالت کشیدم و نمی‌دانستم چی بگم». یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد خجلتش از فقر بیان داشت: «وضع مالی بقیه دوستانم خوبه و منم خیلی خجالت می‌کشم اگر بدانند تحت پوششم».

احساس معذب بودن نیز بعضی مواقع به دنبال تجربه رفتارهای طردآمیز شکل می‌گیرد. حمیده ۱۴ساله می‌گوید: «چند بار جلسه اولیای مدرسه بود، نخواستم مادرم بیاد که نکنه ازش پول بخواهند و مجبور بشود بگه کمیته‌ای هستیم. احساس بدی دارم. با حرکات و رفتار مردم احساس می‌کنم همه از جریان زندگی‌ام باخبرن». مائده ۱۵ساله می‌گوید: «من هم دوست داشتم راحت به مجلسی برم و بدون خجالت و سرافکنده‌گی سربلند کنم. فقط از شرکت در مراسم معذب هستم، چون پول کافی ندارم مثل مردم پوششم. فکر می‌کنم اکثر مردم دنبال مادیات هستن و من رو تو خودشون راه نمی‌دن».

بدرترین تجربه مشترک دانش‌آموزان از خجالت مواقعی بود که مدرسه آن‌ها را صدا زده و پاکت مخصوص کمک را می‌دهد. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان داشت: «مواقعی که وسط کلاس می‌گن فلانی بیا دفتر، آدم آب میشه. بعدش هم که دائم بچه‌ها می‌پرسند چکارت داشتند».

فقرا به‌مثابه تهدید

معاشرت با فقرا برای برخی افراد همچون تهدیدی بر کسر شأن اجتماعی و احترام آن‌ها تصور می‌شود. چنین تصویری باعث می‌شود پیوندهای اجتماعی صمیمی و نزدیک با آن‌ها کمتر شکل گیرد؛ بنابراین افراد تحت پوشش کمیته سعی در پنهان‌سازی عضویت در یک طبقه کم‌درآمد دارند. علی می‌گوید: «خیلی پسرها نمی‌خوان با خانواده‌ای رفت‌وآمد کنن که هیچ‌کس تحویلشون نمی‌گیره. اگه بفهمن فقیریم آبروم پیش دوستانم می‌ره». مریم عنوان داشت که مادرم به دایی می‌گوید: «ما نیازی به پولت نداریم. فقط به ما سر بزن.» ولی اون می‌گه: «همسرم اجازه نمی‌ده و می‌گه خانواده تو از قشر پایین هستن و بچه‌ها بی تربیت میشن».

دوستی خانواده‌ها یا رفت‌وآمد با مادران نوجوانان که اغلب زنان بی‌سرپرستی هستند می‌تواند تهدیدی برای طرف مقابل باشد و برخی تمایل ندارند امنیت خانوادگی را در رابطه با ارتباط با این زنان به خطر بیندازند. در مثالی یکی از دختران گفت: «مادر من زن جوانی است و بدون شوهر. یکبار که به خانه دوستم رفتیم و شب پدرش ما را به منزل رساند دیگر روابطمان سرد شد. به نظرم مادرش از زندگی خودش ترسید. قبلیش که بفهمد من از چه خانواده‌ای هستم کاری نداشت.»

ترس از فقر بین نسلی

مفهوم «فقر بین نسلی» نشان‌دهنده این است که فقر پدیده‌ای موقتی نیست و در دوره‌های طولانی تداوم داشته و به تدریج منابع و فرصت‌های ادغام زنان فقیر را به تحلیل برده است. دختران تحقیق حاضر عنوان داشتند که اگر جامعه بداند آنها تحت پوشش کمیته امداد هستند، افرادی نامناسب به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را برای کاندید ازدواج به آنها معرفی می‌کند. در نتیجه چنین ازدواجی، فقر تداوم می‌یابد. مهسا یکی از دختران این موضوع را به این شکل عنوان داشت: «اصلاً دلم نمی‌خواد در آینده هم فقیر باشم. فقر بسه. پنهان می‌کنم که تحت پوشش هستیم که هر کس نگه این‌ها فقیر بیچاره‌اند و بلند شوند بیان خواستگاری.»

زمینه پنهان‌کاری

عدم برابری شرایط اقتصادی در محیط مدرسه و معلمان

اکثریت مشارکت‌کنندگان در همه‌جا پنهان‌کاری نمی‌کنند. افراد تحقیق حاضر بیشتر در مقابل افراد طبقه بالادست، دست به پنهان‌کاری می‌زنند. اگر همسایگان تحت پوشش بوده یا دوستانی تحت پوشش داشته باشند، افشاگری از دید آن‌ها بلامانع است. نوجوانان تحقیق حاضر به آرمان‌های یک زندگی مطلوب که شامل سلامت پدر به عنوان سرپرست خانوار، درآمد کافی، منزل خوب، داشتن ماشین و وابسته نبودن به دیگران هست؛ واقفند. آشکار شدن هویت تحت پوشش بودن به معنای نداشتن این آرمان‌هاست. در این شرایط فرد دست به کتمان می‌زند تا همسالان از زندگی نامطلوب وی آگاه نشوند. شرکت‌کننده‌ای بیان داشت: «مگر مردم می‌خواهند دست کنند در جیب شان به ما بدهند که بگویم فقیرم. تازه بیشتر پز می‌دهند. خانواده معتاد و کم سواد با بچه زیاد قایم کردن هم دارد.»

رویکرد منفی به فقرا به عنوان افرادی فاقد سرمایه فرهنگی

درواقع عنوان عبارت «**بچه کمیته‌ای**» یک داغ ننگ برای نوجوان محسوب می‌شود. قرار گرفتن در این مقوله اجتماعی (کمیته‌ای، بی‌سرپرست و بدسرپرست) و عضویت در آن، فرد را کم اعتبار و حقیر می‌سازد. درواقع، فقر مادی یک‌طرفه و محدودیت‌های اجتماعی این برچسب‌ها هم یک‌طرفه برای این افراد تنش‌زاست. تصور جامعه بر این است یک فرد داغ‌خورده انسان کاملی نیست و بر اساس همین

تصور به خود اجازه می‌دهند که انواع تبعیض‌های مختلف را علیه وی اعمال می‌کنند و به شکلی کارآمد فرصت‌های زیستی‌اش را کاهش می‌دهند. درواقع، یک نظریه داغ‌تنگ به وجود می‌آید؛ یک ایدئولوژی که ضعیف‌تر و پست بودن وی را تبیین کند و دلیلی برای خطرناک تلقی کردنش در اختیار بگذارد. در برخی موارد، یک خصومت ناشی از تمایزهای دیگر (مانند تفاوت‌های مربوط به طبقه اجتماعی) را معقول جلوه می‌دهد. مردم علاقه دارند رشته‌ای از ویژگی‌های نامطلوب را به این خانواده‌ها نسبت دهند. در واقع آنچه این نوجوانان تجربه نموده‌اند این است که مردم فقرا را به‌عنوان افرادی فاقد سرمایه فرهنگی در نظر می‌گیرند. افرادی که به دلیل بی‌سرپرست بودن الزاماً باید **تربیت نامناسبی** داشته باشند. این مقوله کلان از دو مفهوم اولیه «**بی‌سوادی**» و «**فقدان مهارت‌های اجتماعی**» تشکیل شده و این نگرش رادرجامه به وجودمی‌آورد که خانواده‌های فقیر به دلیل سواد ناکافی، نداشتن مهارت‌ها و توانمندی‌های اجتماعی از مشارکت فعال در حوزه‌های مختلف اجتماعی شایستگی ارتباط با دیگران را ندارند. به تعدادی از جملات می‌پردازیم. «وقتی میگن بابا بالای سرشون نیست، آتیشم می‌زنه. بخدا ما هم می‌تونیم تربیت درستی داشته باشیم». «هرکسی اشتباهاتی دارد اما وقتی از ما اشتباهی سر می‌زند می‌گویند بچه کمیته‌ای هست و بی‌پدر». «اینکه در یک جمع متفاوت باشی و چیزهایی که اونها داشته باشند تو نداشته باشی خیلی بده». «اگر درس بخونی میگن بیچاره میخواد آینده‌اش را جبران کنه و اگر نخونی میگن با این خانواده داغون حق داره درس نخونه».

راهبردها: جلوه‌های رفتاری پنهان کاری

در مصاحبه با کارمندان کمیته امداد امام خمینی مصادیق پنهان کاری در عدم مشارکت در کلاس‌های فرهنگی - آموزشی و اردوهای تفریحی، عدم مراجعه به مددکار، مرفه جلوه دادن خود در ظاهر، غلو در میزان درآمد خانواده، کندن پلاکارد مخصوص اعزامی از کمیته امداد، مخفیانه وارد کمیته شدن و تبانی با افراد تحت پوشش برای عدم آشکارسازی بیان شد.

عدم مشارکت در کلاس‌های فرهنگی - آموزشی و اردوهای تفریحی: مددکاران

کمیته امداد اذعان داشتند که با وجود صرف زمان و هزینه برای برپایی کلاس‌های جبرانی درسی و فوق‌برنامه رغبتی برای شرکت وجود ندارد. عدم مشارکت نوجوانان به دلیل ترس از شناخته شدن و افشا نزد هم‌مدرسه‌ای‌ها و هم‌کلاسی‌ها بیان شد.

عدم مراجعه به مددکار: مددکاران شکایت دارند که بارها و بارها تماس گرفته و خواهان

حضور در کمیته شده‌اند اما نوجوانان سرباز زده و می‌گویند: «من نیام کمیته».

مرفه جلوه دادن خود در ظاهر: مسئولان کمیته گاه‌آز ظاهر و نحوه پوشش مددجویان

دانش‌آموز تعجب کرده و در بررسی‌ها متوجه شدند که دانش‌آموزان به علت پنهان‌سازی دست به جبران افراطی در پوشش زده‌اند.

غلو در میزان درآمد خانواده: پسران تحت حمایت در میزان درآمد آن‌چنان غلو کرده که

مسئولان مجبور به بررسی مجدد شرایط عضویت در کمیته شدند.

کندن پلاکارد مخصوص اعزامی از کمیته امداد: کندن پلاکارد مخصوص کمیته بر روی

اتوبوس سفرهای بین‌شهری برای عدم شناسایی یکی از ضروریات شرکت در اردو توسط افراد تحت حمایت است. یکی از مسئولان ابراز نمود: «به شرطی در اردوهای کمیته شرکت می‌کنند که پلاکارد مخصوص اعزامی کمیته جلوی اتوبوس نصب نشود».

مخفیانه وارد کمیته شدن: دانش‌آموزان تحت پژوهش حاضر که برای مصاحبه دعوت شدند

نیز با اکره فراوان آمدند و در کل اگر هم ضرورت به حضور باشد مخفیانه وارد محیط می‌شوند. یکی از دختران بیان داشت: «من با تاکسی تلفنی میام تا تو حیاط. شب‌هایی که می‌خواهم پیام کمیته تا صبح خوابم نمی‌برد».

تبانی با افراد تحت پوشش برای عدم آشکارسازی: چنانچه هدایا و دریافت‌هایی از

طرف مدرسه بخواهد صورت گیرد، برخی از مدیران و معاونان دانش‌آموزان را به دفتر مدرسه فرامی‌خوانند و برای این دانش‌آموزان مقابل هم‌کلاسی‌هایشان سرافکنندگی به وجود می‌آورند. در مواقعی که چند نفر از یک کلاس باشند برای جلوگیری از آشکار شدن امر باهم به توافق می‌رسند که چه بگویند. زهرا کلاس دهم گفت: «وقتی دفتر صدامون میزنه که بیایید و هدایای کمیته رو می‌ده خیلی بد هست. با دخترهای دیگه هماهنگ می‌کنیم که اگر کسی پرسید چکارتون داشتند یه دروغی بگیم».

شرایط مداخله‌ای

تخصیص اعتبار اجتماعی بر مبنای ثروت فرد

هر فرد با توجه به گروه اجتماعی که عضو آن هست پایگاهی دارد. در آن موقعیت با گروه‌های دیگر مقایسه می‌شود و میزان احترام و حیثیتش مشخص می‌شود. منزلت اجتماعی نوعی ارزیابی است که بر پایه‌ی معیارهای ارزش اجتماعی معتبر در جامعه از پایگاه اجتماعی یک شخص در ذهن دیگران به عمل می‌آید و نشان می‌دهد که پایگاه شخص نسبت به اشخاص دیگر در فضای اجتماعی کجاست. مفاهیم مرتبط با این مقوله شهرت، اعتبار، وجهه، آبرو، حیثیت، پرستیژ، آبروی اجتماعی، شأن اجتماعی، حیثیت اجتماعی هستند. ایجاد منزلت برای یک فرد از قدرت سیاسی، اقتصادی، سبک زندگی و با تجلیات فرهنگی ناشی می‌شود. درآمد، تحصیلات و وجهه شغلی شاخص‌های مهمی برای ایجاد احترام در جامعه هستند. با این وصف، از دریچه نگاه افراد پژوهش کنونی افراد جامعه بر اساس ثروت و رفاه مادی اعتبار کسب می‌کنند و بودن تحت پوشش کمیته به معنای از دست دادن اعتبار اجتماعی است. احمد در این باره به روشنی بیان کرد: «خب چرا پیام کلاس‌های کمیته؟ تا یکی آدم رو ببیند دیگه همه چیز را تا تهش می‌خواند که نه خانواده‌اش سواد درستی دارند، نه پولی و درآمدم. این هم تو این زمانه که همه با مدل ماشین‌شون احترام می‌خرند».

تغییر الگوی مصرف

جوامع مختلف ارزش‌های متفاوتی دارند و نگرش‌های متفاوتی به پدیده‌ها دارند. رواج فرهنگ پرمصرفی و تجمل‌گرایی بیش‌ازپیش پدیدار شده است. سطح مصرف از یک‌سو به خاطر هم‌چشمی در درون یک گروه اجتماعی و هم در نتیجه تقلید و خودنمایی و از سوی دیگر جستجوی مداوم سطح زندگی بالاتر بستگی دارد. اهمیت مصرف امروزه تا آنجا جلو رفته که هویت افراد برحسب الگوی مصرف مورد قضاوت قرار می‌گیرد. طبیعی است که در این شرایط عضویت در کمیته امداد نشانگر توانایی مصرف کمتر است. سطح مصرف در درازمدت تابع وضعیت نسبی اشخاص اقتصادی در درجات درآمدی است. در واقع نحوه خرید و مصرف نشان‌دهنده تعلق به گروه‌های درآمدی و طبقات اجتماعی آنان است و افراد اقتصادی متعلق به یک گروه درآمدی کمتر، به دنبال افزایش درآمد خود، به گروه درآمد بالاتر دست می‌یابند و می‌کوشند نوع زندگی افراد متعلق به دسته‌ای که بدان دست‌یافته‌اند را، اختیار کنند و یا لاقبل در ظاهر چنین تظاهر کنند.

پیامدها

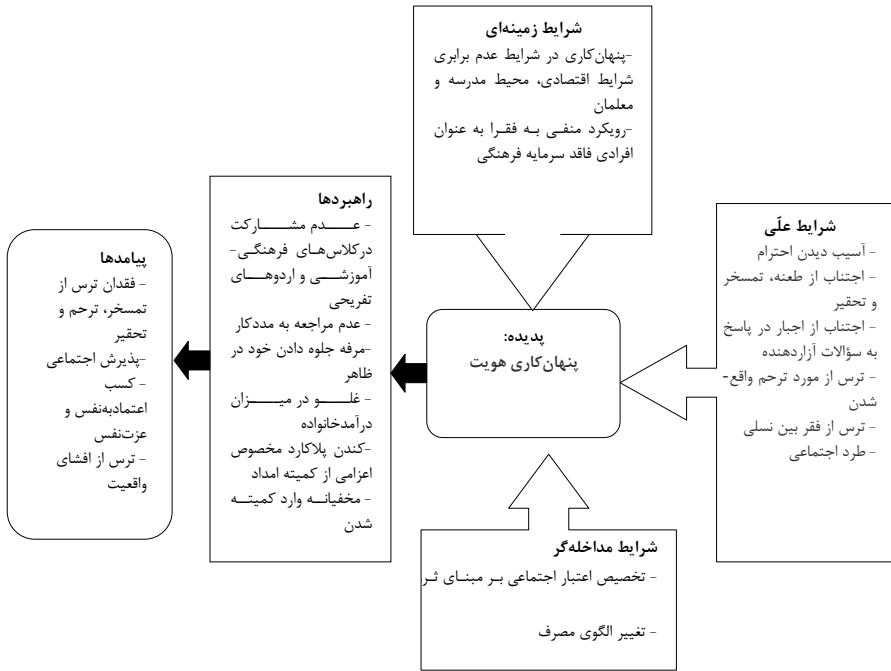
مطابق مدل و مقوله‌ها، سرانجام باید به مقوله‌ای به نام برون‌داد، نتیجه یا پیامد پرداخت. پیامدهای مثبت روانی پنهان‌کاری از جمله فقدان ترس از تمسخر، ترحم و تحقیر، پذیرش اجتماعی، اعتبار، حیثیت و کسب اعتماد به نفس و عزت نفس است. پیامدهای منفی روانی ترس از آشکار شدن حقیقت و اضطراب از افزایش میزان درآمد و دروغ در مورد وضعیت خانواده است. از دست دادن کلاس‌ها و مزایای شرکت در آن نیز پیامد منفی دیگری است. خلاصه کدگذاری باز، محوری و هسته‌ای در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: خلاصه کدگذاری باز، محوری و هسته‌ای

کد	کدهای باز	کدهای محوری	مقوله هسته‌ای
۱	آسب دیدن احترام		
۲	اجتناب از طعنه و کنایه		
۳	جلوگیری از مورد تمسخر واقع شدن		
۴	ممانعت از تحقیر توسط دیگران		
۵	حریم قائل شدن برای خویش		
۶	گریز از مورد ترحم واقع شدن	انگیزه‌های پنهان‌سازی	
۷	جلوگیری از طرد توسط همسالان	عضویت در کمیته امداد	
۸	جلوگیری از بی‌ارزشی در چشم معلمان و کادر مدرسه		
۹	جلوگیری از طرد خواستگاران مطلوب		
۱۰	نپذیرفتن خواستگاران طبقه اقتصادی پایین		
۱۱	شرمندگی از متفاوت دیده شدن		
۱۲	دیده نشدن به عنوان یک فرد تهدیدآمیز		
۱۳	دام‌دار شدن فقر بین نسل‌ها		
۱۴	پز دادن افراد طبقات بالای اقتصادی	بسترهای تسهیل‌گر	

کد	کدهای باز	کدهای محوری	مقوله هسته‌ای
۱۵	رویکرد منفی مملمان به فقر به عنوان افراد بی‌سواد	پنهان‌سازی	
۱۶	تخصیص اعتبار اجتماعی بر مبنای ثروت فرد در میان شهروندان		
۱۷	بی‌سواد و بی‌مهارت پنداری افراد تحت پوشش		
۱۸	عدم مشارکت در کلاس‌های فرهنگی - آموزشی		
۱۹	حضور نیافتن در اردوهای تفریحی		
۲۰	عدم مراجعه به مددکار		
۲۱	چبران افراطی در پوشش و آرایش	جلوه‌های رفتاری	
۲۲	مرفه جلوه دادن خود در ظاهر	پنهان‌کاری	
۲۳	غلو در میزان درآمد خانواده		
۲۴	مخفیانه وارد کمیته شدن		
۲۵	تبانی با افراد تحت پوشش برای عدم آشکارسازی		
۲۶	عدم حضور برای گرفتن هدایا		
۲۷	اعتبار اجتماعی داشتن ثروتمندان		
۲۸	رواج تجمل‌گرایی		
۲۹	ارزشمند شدن مصرف‌گرایی	شرایط مداخله‌گر	
۳۰	جلوگیری از طرد در گروه همسالان		
۳۱	ظهور واژگان جدید در جامعه چون لاکچری در مقابل بنجل برای افراد		
۳۲	فقدان تمسخر		
۳۳	تترسیدن از تحقیر و حس بی‌ارزشی		
۳۴	پذیرش اجتماعی		
۳۵	کسب منزلت اجتماعی	نتایج و پیامدهای پنهان	
۳۶	حیثیت‌افزایی	سازی	
۳۷	افزایش اعتمادبه‌نفس		
۳۸	ترس از آشکار شدن واقعیت		
۳۳	کاهش سلامت روان		

همانطوری که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، در تجزیه و تحلیل متن مصاحبه با دانش‌آموزان در کدگذاری باز ۳۳ مقوله که در کدگذاری محوری براساس شباهت موضوعی در ۵ دسته موضوعی و در نهایت در کدگذاری گزینشی در یک مقوله‌ی هسته‌ای تحت عنوان پدیده پنهان‌سازی هویت نام‌گذاری شده است. در ادامه شکل شماره ۱، مدل تدوین شده براساس مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۱. نظریه زمینه‌ای پنهان کاری هویت تحت پوشش کمیته امام بودن

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تحلیلی بر پنهان‌سازی هویت تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) بودن در دانش‌آموزان متوسطه انجام شد. به‌طور کلی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان علاقه‌ای به ابراز هویت در فضاهای اجتماعی ندارند چرا که فقر آنها را بی‌ارزش می‌کند. در واقع داغ ننگ است و به همین جهت به پنهان‌سازی هویت تحت پوشش کمیته امداد روی می‌آورند.

دلایل پنهان‌سازی عضویت در کمیته امداد شامل آسیب دیدن احترام، اجتناب از طعنه، تمسخر و تحقیر، اجتناب از اجبار در پاسخ به سؤالات آزاردهنده، ترس از مورد ترحم واقع‌شدن، ترس از فقر بین-نسلی، طرده اجتماعی، شرم حضور و خجلت از فقر و فقرا به‌مثابه تهدید بود. در توضیح این یافته فیلیپس^۱ (۲۰۰۶) بیان می‌کند که پیامدهای فقر به گوشه و کنار زندگی روزمره کشیده می‌شود. از زمان ظهور جوامع بشری، ثروت همواره ریشه نابرابری اجتماعی بوده و دو گروه فقیر و غنی را روبروی هم قرار داده است. این شکاف موجب ایجاد حس طرده‌شدگی و فقدان احساس شهروندی و کاهش اعتماد به نفس می‌شود. لفظ کلمه تحت پوشش بودن نشان‌دهنده نداشتن زندگی متعارف با امکانات زندگی معمولی، جو مثبت و سالم خانواده است. حسی که تجربه می‌شود این است که ما از صدقه دیگران زندگی می-

1. Phillips

کنیم، حس طرد و شرم به همراه دارد. این یافته همسو با نتیجه پژوهش قادری و افضل‌ی (۱۳۹۰) است که در مطالعه خود دریافتند که کنش‌گران اجتماعی در صحنه تعاملات خود، دوست دارند که با طبقات بالاتر ارتباط برقرار کنند و اگر بدانند فردی در وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین‌تری قرار دارد، ارتباط را قطع می‌کنند. زنان این پژوهش در تجربیات خود عنوان داشتند که با آشکار شدن فقر خود مورد بی-اعتمادی و اهانت نیز قرار گرفته‌اند. تجربه تبعیض عامل دیگری برای پنهان‌سازی هویت است. فردی که دست به مخفی نمودن می‌زند، در تجربه‌های قبلی خود هنگام افشای هویت در معرض عدم پذیرش، احترام کمتر، طرد، سوءاستفاده و حتی ضرب و شتم قرار گرفته است. کوین و ارنشو همچنین بیان می‌کنند که در گروه‌هایی که هویت خود را پنهان می‌کنند، افرادی هستند که مستقیم تبعیض را تجربه نکرده‌اند اما می‌توانند ضایع شدن هویت^۱ را از قبل پیش‌بینی کنند. افرادی که دست به پیش‌بینی رفتارهای جامعه می‌زنند، پریشانی روان‌شناختی بیشتری تجربه می‌کنند (کوین و چودیر^۲، ۲۰۰۹).

مهم‌ترین یافته‌ای که در نتیجه‌ی تحلیل داده‌ها در این پژوهش به دست آمد، رویکرد منفی به فقرا به‌عنوان افرادی فاقد سرمایه فرهنگی است. افرادی که به دلیل بی‌سرپرست بودن الزاماً باید تربیت نامناسبی داشته باشند. این مقوله کلان از دو مفهوم اولیه «بی‌سوادی» و «فقدان مهارت‌های اجتماعی» تشکیل شده و این نگرش را در جامعه به وجود می‌آورد که خانواده‌های فقیر به دلیل سواد ناکافی، نداشتن مهارت‌ها و توانمندی‌های اجتماعی از مشارکت فعال در حوزه‌های مختلف اجتماعی شایستگی ارتباط با دیگران را ندارند. از نگاه نوجوانان تحقیق حاضر، تغییر ارزش‌های جامعه به سوی امور مادی روزبه‌روز بیشتر می‌شود و کفه ترازوی احترام به سوی پولدارها سنگینی می‌کند. واژگانی نوپدید در جامعه متولد شده مانند «زندگی لاکچری»، «باکلاس بودن» و «بیچه مایه‌دار» می‌توان اشاره کرد که با رفتارها و رویه‌های خاصی در زندگی «سوپرپولدارها» جلوه‌گری می‌کنند. این درحالی است که در مقابل، جمعیت کم برخوردار جامعه به لحاظ دارا بودن احترام و منزلت اجتماعی احساس کاستی می‌نمایند. یکی از جان‌مایه‌های پررنگ در انگیزه پنهان‌کاری نوجوانان پژوهش حاضر طرد شدن از گروه همسالان و معلمان بود. نوجوانان به وجود همسالان خود اهمیت بیشتری می‌دهند. زمانی که نوجوان از سوی همسالان خود به دلایلی طرد می‌شوند به روحیه آن‌ها صدمه می‌زند. احساس معذب بودن از پیامدهای طرد اجتماعی است که در زندگی افراد فقیر مطالعه شده؛ مشاهده می‌شود.

افراد فقیر به علت ناتوانی در مصرف کالا و نشانه‌هایی که معمولاً دلالت بر یک زندگی شایسته دارد، در بسیاری از جمع‌ها و محافل احساس شرم می‌کنند و سعی می‌کنند کمتر در آن‌ها حضور یابند. از دریچه نگاه افراد پژوهش کنونی افراد جامعه بر اساس ثروت و رفاه مادی اعتبار کسب می‌کنند و بودن تحت پوشش کمیته به معنای از دست دادن اعتبار اجتماعی است؛ بنابراین افراد تحت پوشش کمیته سعی در پنهان‌سازی عضویت در یک طبقه کم‌درآمد را دارند. در واقع سطح مصرف به‌عنوان یک عامل روانی است که نشان‌دهنده هم‌چشمی در درون یک گروه اجتماعی و در نتیجه باعث

1. Anticipated Stigma
2. Chaudoir

تقلید یا خودنمایی و از سوی دیگر جستجوی زندگی سطح بالاتر است. اهمیت مصرف تا آنجا پیش می‌رود که هویت افراد بر اساس الگوی مصرف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در واقع مصرف رفتاری متظاهرانه شده است که در قالب تمایز یک گروه از گروه دیگر یا به شکل یک منزلت اجتماعی بروز کرده است (مهروی، ۱۳۸۹).

به‌طور خلاصه این پژوهش نوجوانان تحت پوشش را همچون قشری که دارای الگوی خاص رفتاری، انگیزشی و رفتاری می‌باشند معرفی کرد. الگوی رفتاری پیش گرفته شده توسط این نوجوانان می‌تواند بلوغ عاطفی این گروه را به خطر اندازد چرا که بلوغ عاطفی مستلزم توانایی مواجهه با واقعیت و تمایل به صادق بودن است (دهستانی، ابراهیمی و ابوهاشمی مقدم، ۱۳۹۸). این مسائل نشان می‌دهد که باید در جهت تغییر نگرش جامعه به فقرا به‌منزله افرادی با اعتبار اجتماعی اندیشید؛ چیزی درآموزه‌های دینی و دانشی نیز یافت می‌شود. پیشنهاد می‌شود که به بررسی پدیده پنهان‌سازی در سایر اقشار تحت پوشش کمیته امداد به خصوص سرپرست خانوار پرداخته شود تا بتوان ابعاد گوناگون این پدیده را به خوبی شناسایی کرد. با توجه به اینکه مشارکت‌کنندگان عنوان داشتند که در مدرسه وقتی هویت آشکار شود، عاطفه منفی بسیاری را تجربه می‌کنند، پیشنهاد می‌شود برای کارکنان کمیته امداد و مدارس جلسات آموزشی هماهنگ برگزار شود تا بتوان با مدیریت مناسب از بروز این عواطف در گروه نوجوان جلوگیری شود.

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بود. نخست کمبود منابع و مطالعات داخلی مرتبط با موضوع پژوهش است که امکان مقایسه نتایج را با دشواری روبرو ساخت. دومین محدودیت به ماهیت پژوهش کیفی و لزوم مصاحبه عمیق است به این دلیل برای انجام مصاحبه با توجه به محافظه‌کاری پاسخگویان از عدم حضور در اداره کمیته موجب گردید در جلب همکاری وقت زیادی اتلاف شود. سوم اینکه این پژوهش در بین نوجوانان تحت پوشش کمیته امداد خمینی (ره) انجام شد؛ بنابراین از تعمیم‌دهی آن به افراد تحت پوشش بهزیستی و دستگاه‌های دیگر باید جانب احتیاط رعایت شود.

منابع

- ارضروم چیلر، نسرین (۱۳۸۴). *ابعاد گوناگون فقر در ایران*. مجموعه پژوهش‌های اقتصادی.
- جان‌علیزاده چوب‌بستی، حیدر؛ رازقی، نادر و کسائیان، معصومه (۱۳۹۶). چرایی اجتماعی پدیده پنهان‌سازی هویت ایثارگری در میان دانشجویان مراکز آموزش عالی شهر بابلسر. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۴ (۹): ۹-۴۱.
- دهستانی، مهدی، ابراهیمی، مریم و ابوهاشمی مقدم، سیده زهره (۱۳۹۸). پیش‌بینی مهارت ارتباط بین فردی در دانش‌آموزان بر اساس میزان بلوغ عاطفی و اضطراب اجتماعی. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۹ (۳۶): ۱۱۵-۱۲۸.
- رامشگر، حسین، نایی، هوشنگ و محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۶). بررسی اثر داغ‌ننگ بیکاری بر سلامت روان بیکاران. *رفاه اجتماعی*، ۱۷ (۶۷): ۳۳۱-۲۰۳.

- رمضان‌پور، مهرناز، شرقی، علی و صالح‌صدق‌پور، بهرام (۱۳۹۸). رابطه‌ی ادراک کیفیت مسکن و محیط مسکونی با عزت نفس ساکنین محله‌های ناهمگن (نمونه‌ی موردی: محله‌ی حسن‌آباد-زرگنده تهران). *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۹ (۳۴): ۲۳-۴۸.
- شادی‌طلب، ژاله، وهابی، معصومه و ورمزیار، حسن (۱۳۸۴). فقر درآمدی، فقر یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار. *رفاه اجتماعی*، ۴ (۱۷): ۴۹-۷۰.
- غفاری، غلامرضا و امید، رضا (۱۳۸۹). چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه مطروذیت اجتماعی. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۲ (۴): ۳۵-۶۶.
- قادری، طاهره و افضل، مرضیه (۱۳۹۰). چگونگی بر ساخته‌شدن واقعیت فقر برای فقرا (مقایسه زنان زیر پوشش جمعیت امام‌علی(ع) با مردان زیر پوشش این جمعیت)، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۷ (۲): ۹۹-۱۳۶.
- کیخاوی، شیر، صفاری‌نیا، مجید، علی‌پور، احمد و فرزاد، ولی‌الله (۱۳۹۹). تدوین ابعاد اجتماعی سلامت از منظر مدیریت شهری. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۰ (۳۸): ۴۱-۶۴.
- گافمن، اروینگ (۱۳۸۶). *داغ‌ننگ: چاراندیشی برای هویت ضایع‌شده*. ترجمه‌ی مسعود کیان‌پور. تهران: مرکز.
- محمودی، مهدی و سپهرنیا، رزیتا (۱۳۹۵). نقش کمیته امداد امام خمینی در ارتقای سرمایه فرهنگی مددجویان استان تهران. *مجله مدیریت فرهنگی*، ۱۰ (۳۱): ۸۱-۷۱.
- مهری، بهار (۱۳۸۹). *مطالعات فرهنگی: اصول و مبانی*. تهران: سمت.
- ووداهیر، ابوعلی، ذلولی، حسین، بنی‌فاطمه و نبیلی، فریده (۱۳۹۴). داغ‌ننگ‌سازی و پزشکی شدن مسائل روانی: مطالعه‌ی بر ساخت‌گرایانه درباره مساله افسردگی در شهر تبریز. *بررسی مسایل اجتماعی ایران*، ۶ (۱): ۲۷-۵۰.
- Ablon, J. (2002). The nature of stigma and medical condition. *Epilepsy & Behavior*, 3: 2-9.
- Daniel Lee, J. , & Craft, E. A. (2002). Protecting one's self from a stigmatized disease once one has it. *Journal of Deviant Behavior*, 23 (3): 267-299.
- Heatherton, T. F. (Ed.). (2003). *the social psychology of stigma*. GuilfordPress.
- Elliott, M. & Doane, J. D. (2015). Stigma Management of Mental Illness: Effects of Concealment, Discrimination, and Identification on Well-Being. *Journal of self and identity*, 14 (6): 654- 674.
- Hyland, K. (2019). Narrative, Identity and Academic Storytelling. *Open edition*, 1(3): 1-16.
- Letkemann, P. (2002). Unemployed Professionals, Stigma Management and Derivative Stigmata. *Work, Employment & Society*, 16(3), 511- 522.
- Meidlinger, P. C. , & Hope, D. A. (2014). Differentiating disclosure and concealment in measurement of outness for sexual minorities: The Nebraska outness scale. *Tation and gender diversity*, 1: 489-497.

- Newcomb, M. E. , Mustanski, B. (2010). Internalized homophobia and internalizing mental health problems: a meta-analytic review. *Clinical Psychology Review*, 30:1019–1029.
- Newheiser, A. K. , & Barreto, M. (2014). Hidden costs of stigma: Ironic interpersonal consequences of concealing a stigmatized identity in social interactions. *Journal of Experimental Social Psychology*, 52, 58–70.
- Newheiser, A. K. , Barreto, M. , & Tiemersma, J. (2017). People Like Me Don't Belong Here: Identity Concealment is Associated with Negative Workplace Experiences. *Journal of Social Issues*, 73 (2): 341-358.
- O'Donnell, A. T. , Corrigan, F. & Gallagher, S. (2015). The impact of anticipated stigma on psychological and physical health problems in the unemployed group. *Frontiers in Psychology*, 6: 1-8.
- Pakenham, K. I. (2007). The nature of benefit finding in multiple sclerosis (MS). *Psychology, Health, & Medicine*, 12, 190-196.
- Pachankis, J. E. , & Branstorm, R. (2018). Hidden from happiness: Structural stigma, sexual orientation concealment, and life satisfaction across 28 countries. *Journal of consulting & clinical psychology*, 86 (5): 403-415.
- Phillips, D. (2006). *Quality of life; concept, policy and practice*. New York, Routledge.
- Quinn, D. M. (2017). Issue Introduction: Identity Concealment: Multilevel Predictors, Moderators, and Consequences. *Journal of Social Issues*, 73 (2): 230-239.
- Quinn, D. M. , & Chaudoir, S. R. (2009). Living with a concealable stigmatized identity: The impact of anticipated stigma, centrality, salience, and cultural stigma on psychological distress and health. *Journal of Personality and Social Psychology*, 97, 634–651.
- Quinn, D. M. , & Earnshaw, V. A. (2011). Understanding concealable stigmatized identities: The role of identity in psychological, physical, and behavioral outcomes. *Social Issues and Policy Review*, 5, 160–190.
- Ramsden, E. (2009). Confronting the Stigma of Eugenics: Genetics, Demography and the Problems of Population. *Journal of Social Studies of Science*, 39: 853-884.
- Schmitt, M. T. , Branscombe, N. R. , Postmes, T. , & Garcia, A. (2014). The consequences of perceived discrimination for psychological well-being: A meta-analytic review. *Psychological Bulletin*, 140: 921–948.
- Sinha, C. , & Kumar, M. (2018). Conceal or Not? Management of Dehumanized Work Identity among Lower Caste Domestic Workers and Non-domestic Scavenging Workers. *SouthAsian Journal of Human Resources Management*, 5(2): 173–193.